

"مشک تازه می بارد ابر بهمن کابل"

"موج سبزه می کارد کوی و برزن کابل"



استقبالیه

کابل

مرگ ناگهان بارد ابر بهمن کابل
جوی خون کند جاری کوی و برزن کابل

زاسمان نیلیگون شبنمی نمی آید
ز اشک مام میهن تر کوه و دامن کابل

جنت آشیان کابل روضه جان کابل
رشک آتش دوزخ، گشته مامن کابل

بوستان پر از گل مهد قمری و بلبل
مین زا شده اکنون، گشته مدفن کابل

آن فضای جان افزا رشک جنت المأوا
گلشن پُر از سنبل ، گشته گلخن کابل

ای جوان به یاد آور جد و جهد اسلافت
بیم و ترس پاکستان ، فوج جوشن کابل

اختلاف افغان ها بهر جیفه دنیا
هست همچون زهر، خصم و دشمن کابل

ای خدای باز آور اُبَهِت و شکوه ما
یاد ظاهر و داود شأن پلتن کابل

می بریم پناه بر تو از شرور پاکستان
ای مهیمن عالم ای مهیمن کابل

کشتن مسلمانان بهر قتل پاکستان
کفر باشد این آیین، بر تو دشمن کابل

